

بازشناسی معنای «امت واحده» با تأکید بر آیه «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود/۱۱۸)

حسین خوشدل مفرد *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

چکیده

در آیات قرآن بر این حقیقت تأکید شده که مردم امت واحده‌ای بودند (بقره/۲۱۳) و یا اگر خداوند اراده می‌کرد آنها را همواره بر امت واحده‌ای قرار می‌داد (مائده/۴۸، یونس/۱۹، هود/۱۱۸، نحل/۹۳، شوری/۸ و زخرف/۳۳). مفسران از گذشته تاکنون با ارائه تفاسیر متفاوت سعی کرده‌اند، معنای امت واحده را بیان کنند. تقریباً قریب به اتفاق مفسران منظور از امت واحده را در این آیات و آیه ۱۱۸ سوره هود به معنای امتی که دارای دین حق باشد، تفسیر کرده‌اند. برخی از مفسران نیز تفسیری متفاوت از هر یک از آیات بیان کرده و معتقدند این آیات مفهوم واحد و مشترکی ندارند. از سویی دیگر تفسیر ارائه‌شده از سوی مفسران، با روایات معصومین و اقوال برخی از صحابه نیز هماهنگ نیست. این مقاله در پی ارائه تفسیری متفاوت و یکپارچه از این دسته از آیات به‌ویژه آیه ۱۱۸ سوره هود است تا مفهوم به‌دست‌آمده از امت واحده بر همه آیات صدق کند. نتیجه به‌دست‌آمده آن است که منظور از امت واحده در این آیه و همه این آیات برعکس نظر مفسران، امتی است که بر ضلالت و گمراهی باشد نه بر حق و ایمان.

کلیدواژه‌ها: امت واحده، تفسیر، قرآن، سوره هود.

مقدمه

واژه امت و مشتقات ۶۵ بار در قرآن آمده است که ۵۲ مورد آن به صورت مفرد (امت) و ۱۳ مورد به صورت جمع (أُمَم) است. امت بر وزن فُعَلَه، از ریشه (أ م م) که به معنای قصد مخصوص است، اشتقاق یافته و به گروهی گفته می‌شود که مورد قصد و توجه مخصوص دیگران واقع شده و در یک ویژگی چون دین، زمان، مکان، نوع یا صنف مشترک و همسان باشند. بر این اساس به پیروان یک دین و آیین بر اثر همسانی در دین امت می‌گویند و به مردمی که هم‌زمان با یکدیگر در یک قرن یا در منطقه‌ای از زمین زندگی می‌کنند یا گروهی از مردم که دارای عملکرد یکسان‌اند، امت اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۱۰۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/۱۳۵).

واژه امت در قرآن بیشتر به معنای همسانی در دین و آیین و همسانی زمانی و مکانی آمده است؛ مانند آیات: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره/۱۲۸)، «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ» (بقره/۱۳۴)، «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف/۳۴)، «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ يَعْبُدُوا اللَّهَ» (نحل/۳۶). قرآن همچنین به گروهی خاص از پیروان یک دین یا یک عصر به سبب همسانی در نوع خاصی از عملکرد یا رویکرد فکری، امت اطلاق کرده است، چنان که از گروهی میانه‌رو در امر دین و تسلیم دستورات الهی (در آیه ۶۶ سوره مائده) به امت مقتصده تعبیر کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹/۶). در این بین در آیه «وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ» و نیز آیه «وَلْتُنَّ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» امت

به معنای پاره‌ای از زمان آمده است. راغب اصفهانی معتقد است گرچه در این آیه به خود زمان امت اطلاق شده؛ اما در حقیقت گذار گروهی از مردم در یک دوره زمانی یا گذار گروهی از اهل یک دین اراده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶). بر این اساس امت به همان معنای حقیقی خود (گروه همسانی از مردم در زمان و مکان یا دین) به کار رفته است.

با وجود کاربرد این واژه در سیاق متعدد آیات قرآن، در ۶ آیه به مفهوم مشخصی به کار رفته است که بیانگر آن است که مردم امت واحده بوده‌اند و یا خداوند اگر اراده می‌کرد آنها را همواره بر امت واحده قرار می‌داد. این آیات عبارت‌اند از:

۱. وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (هود/۱۱۸).

۲. وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ لَتَسْتَلْنَ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (نحل/۹۳).

۳. وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيهَا يَخْتَلِفُونَ (يونس/۱۹).

۴. وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (شوری/۸).

۵. ... لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَلْوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهَا تَخْتَلِفُونَ (مائده/۴۸).

۶. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

می‌فرماید: اگر خدا می‌خواست همه را بر یک ملت و بر یک دین قرار می‌داد که همه مسلمان و صالح باشند، یعنی آنها را ناچار به پذیرش اسلام می‌کرد و علمی در دل آنها خلق می‌فرمود که اگر به دنبال غیر دین اسلام بروند از آن جلوگیری شوند... اما این کار مخالف با تکلیف بود و هدف تکلیف را از بین می‌برد، زیرا غرض از تکلیف استحقاق ثواب و پاداش است و پذیرفتن دین از روی اجبار و ناچاری از استحقاق ثواب جلوگیری کند و به همین جهت خداوند چنین چیزی را نخواست و آنچه خواسته این است که مردم از روی اختیار ایمان آورده تا مستحق ثواب گردند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۱۱/۵).

در گزارشی مختصر از سابقه این معنا از امت واحده در این آیه، به برخی از نظرات مفسران متقدم اشاره می‌شود: تفسیر مقاتل که از قدیمی‌ترین تفاسیر است، در تفسیر آیه می‌نویسد: «یعنی علی ملة الإسلام» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳۰۱/۲). طبری در جامع البیان از قول قتاده، می‌نویسد: «لجعلهم مسلمین کلهم» (طبری، ۱۴۱۲: ۸۴/۱۲). طبرانی در تفسیر القرآن العظیم در تفسیر آیه می‌نویسد: «أی لجعلهم کلهم علی دین الإسلام» (طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۶۲/۳؛ برای دیدن سایر نظرات تفسیری مشابه که دقیقاً همین معنا را از امت واحده تداعی می‌کند: دینوری، ۱۴۲۴: ۳۷۴/۱؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۳۸۰/۴؛ طوسی، ۱۴۱۳: ۸۵/۶؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۵۳۶/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۳۸/۲؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۴۴۱/۱ و...).

البته در کنار این اظهارنظر مشهور متقدمان، نظر و دیدگاه تفسیری غیر مشهوری از ضحاک وجود دارد که معنای امت واحده را کلی دانسته و آن را شامل راه

فیمَا اِخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اِخْتَلَفَ فِيهِ اِلَّا الَّذِيْنَ اُوتُوْهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغِيًّا بَيْنَهُمْ فَهَدَىٰ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَا اِخْتَلَفُوْا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهِ وَاَللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ اِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ (بقره/۲۱۳).

از گذشته تاکنون مفسران در تفسیر این آیات نظرات مختلفی داده‌اند و نه تنها یکپارچگی خاصی در نظرات آنها دیده نمی‌شود، حتی در میان اقوال یک مفسر نیز این آیات به گونه‌های مختلفی تفسیر و تعبیر شده است. در حالی که تدبر و تأمل در این آیات مشخص می‌نماید که همگی دارای سیاقی مشابه بوده و از یک حقیقت واحد سخن می‌گویند. در این نوشتار با تکیه بر روابط منتهی و روابط معنایی (هم‌نشینی و جانشینی واژگان) نشان داده‌ایم که هر شش آیه دارای مفهوم و مضمون مشترک است و از یک امت واحده سخن می‌گوید. بر این اساس و بر مبنای این نتیجه، تفسیری متفاوت از آیه ۱۱۸ سوره هود ارائه داده‌ایم که می‌تواند از لحاظ اعتقادی، جامعه‌شناسی دین و تاریخ حائز اهمیت است.

نظرات مفسران متقدم در تفسیر آیه سوره هود با بررسی صورت گرفته تقریباً می‌توان مطمئن شد که مفسران متقدم آیه «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً» (هود/۱۱۸) را به معنای اجتماع مردم بر ایمان و حق دانسته‌اند. ایشان معتقدند معنای آیه آن است که اگر خداوند اراده می‌نمود همه مردم را به اجبار بر دین حق قرار می‌داد لکن سنت الهی بر آن است که به مردم اختیار داده تا با میل خود هدایت یا ضلالت را انتخاب کنند. صاحب مجمع در تفسیر آیه می‌نویسد: خدای سبحان با این جمله خبر از کمال قدرت خویش داده و

واحدۀ ارائه داده‌اند بیشتر جنبه اجتماعی پیدا کرده تا جنبه اعتقادی؛ اگرچه در نتیجه نهایی تفاوتی حاصل نشده است؛ مثلاً سید قطب در *فی ظلال القرآن* می‌نویسد: «لو شاء الله لخلق الناس كلهم على نسق واحد و باستعداد واحد... و هذه ليست طبيعة هذه الحياة المقدره على هذه الأرض؛ و ليست طبيعة هذا المخلوق البشرى الذى استخلفه الله فى الأرض» (قطب، ۱۴۲۵: ۱۹۳۳/۴؛ همچنین برای نمونه مشابه: فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۴۹/۱۲). مفسر دیگری می‌نویسد: «لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً...» مردمان را ملت واحدی و یکسانی می‌کرد که مثلاً زندگی اجتماعی آنان همسان زندگی زنبوران عسل و مورچگان و زندگی روحانی ایشان همگون زندگی فرشتگان می‌شد و کارشان مبنی بر اجبار نه اختیار می‌گشت و ثواب و عقابی به اعمالشان تعلق نمی‌گرفت (خرم‌دل، ۱۳۸۴: ۱/۴۵۴).

توجه به این نکته نیز ضروری است که قول ضحاک اگرچه بسیار کم ولی همچنان در تفاسیر متأخرین بیان شده است. به‌عنوان نمونه شوکانی در *فتح القدير* قول مربوط به ضحاک را در معنای امت واحدۀ در این آیه، اصل قرار داده و نظر مشهور را با قیل بیان کرده است: «امة واحدة أى: أهل دين واحد، إما أهل ضلالة، أو أهل هدى؛ و قیل معناه: جعلهم مجتمعين على الحق غير مختلفين فيه، أو مجتمعين على دين الإسلام دون سائر الأديان و لكنه لم يشأ ذلك فلم يكن» (شوکانی، ۱۴۱۴: ۲/۶۰۵). در مجموع و با بررسی صورت گرفته به نظر می‌رسد هیچ‌یک از مفسران معنایی غیر از اجتماع بر اسلام و ایمان را در این آیه برداشت نکرده‌اند (تنها مورد استثناء را می‌توان قولی دانست که سیدمرتضی در تفسیر خود ذیل آیه ۱۱۸

حق یا باطل می‌داند. به‌عنوان نمونه ابن ابی حاتم در *تفسیر القرآن العظيم* از او ذیل همین آیه در تفسیر امت واحدۀ نقل کرده که گفته است: «أهل دين واحد اهل ضلاله أو اهل هدى» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۴/۲۰۹۳؛ و نیز قرطبی، ۱۳۶۴: ۹/۱۱۴). با این وجود، نظر مشهور به حدی مورد توجه است که کسی به نظر شاذ ضحاک که البته منافاتی با نظر مشهور نداشته، اعتنایی نکرده است.

نظرات مفسران متأخر در تفسیر آیه سوره هود مفسران متأخر نیز عموماً همان برداشت متقدمین را با تفصیل بیشتری بیان کرده‌اند و آن را یکی از سنن آفرینش که در واقع زیربنای سایر مسائل مربوط به انسان است؛ یعنی آزادی اراده و اختیار دانسته‌اند که از اختلاف و تفاوت در ساختمان روح و جسم انسان‌ها، ناشی می‌شود. مفسران عموماً این آیه را به این معنا دانسته‌اند که کسی تصور نکند تأکید و اصرار پروردگار در اطاعت فرمانش دلیل بر این است که او قادر بر این نبود که همه آنها را در یک مسیر و در یک برنامه معین قرار دهد. ولی نه چنین ایمانی فایده‌ای داشت و نه وسیله تکامل و موجب پاداش و ثواب می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹/۲۷۹). این معنا در بیشتر تفاسیر معاصر نمود داشته است؛ مانند ابن عاشور در *التحریر و التنویر* (۱۴۲۰: ۱/۳۴۸)؛ آلوسی در *روح المعانی* (۱۴۱۵: ۶/۳۵۶)؛ مراغی در *تفسیر المراغی* (بی‌تا: ۲/۹۸)؛ رشید رضا در *تفسیر المنار* (۱۴۱۴: ۱۲/۱۹۳)؛ قاسمی در *محاسن التأویل* (۱۴۱۸: ۶/۱۴۰)؛ سعید حوی در *الاساس فی التفسیر* (۱۴۲۴: ۵/۲۶۰۹). برخی از مفسران معاصر تقریری که از امت

(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۲ به بعد). ایشان امت واحده در آیه ۴۸ سوره مائده را به این معنا گرفته که همه دارای استعداد واحدی باشند تا یک شریعت را بپذیرند: «منظور از امت واحده کردن همه انسان‌ها این نیست که تکویناً آنها را یک امت قرار دهد و همه انسان‌ها یک نوع باشند، چون همه انسان‌ها یک نوع هستند و یک‌جور زندگی می‌کنند، بلکه مراد این است که از نظر اعتبار آنها را امتی واحده کند، به طوری که استعداد همه آنها برابر باشد و در نتیجه نزدیک به هم بودن درجاتشان همه بتوانند یک شریعت را قبول کنند» (همان: ۳۵۲/۵).

علامه امت واحده را در سوره یونس بر دین حق و توحید معنا کرده و در تفسیر آیه ۸ سوره شوری و ۹۳ سوره نحل معتقد است منظور از امت واحده آن است که خداوند مردم را از نظر هدایت یا سعادت یک‌جور خلق کند یا همه مؤمن و یا همه کافر (طباطبایی، ذیل آیات). همان‌گونه که مشخص است علامه امت واحده را به اعتبار سیاق متعدد آیات متفاوت معنا کرده است (برای نمونه‌های مشابه: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹۵/۲ قس: همان: ۲۵۱/۸ و قطب، ۱۴۲۵: ۲۱۵/۱ قس: همان: ۳۱۴۴/۵).

ب) صاحب‌کشاف در سوره بقره امت واحده را به معنای «متفقین علی دین الاسلام» گرفته و با قول ضعیفی «جماعه کفاراً» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۵/۱). وی امت واحده در سوره یونس را «حنفاء» می‌داند (همان: ۳۳۶/۲) و در آیه ۴۸ سوره مائده، گروهی که بر یک شریعت اجتماع کنند، معنا کرده است (همان: ۶۴۰/۱). با وجود نزدیکی بیشتر تعبیر صاحب‌کشاف با یکدیگر باز تفاوت در معنای امت واحده در سیاق

سوره هود به نقل از محمد بن بحر اصفهانی آورده است: «ذکر أبو مسلم محمد بن بحر فی قوله: مُخْتَلِفِينَ وجهاً غریباً: و هو أن یکون معناه أن خلف هؤلاء الکافرین یخلف سلفهم فی الکفر» (علم الهدی، ۱۴۳۱: ۴۵۹/۲)، اگرچه دقیقاً در اینجا محمد بن بحر درباره امت واحده سخن نگفته ولی فحوای کلامش می‌رساند که منظور او از امت واحده در این آیه همان امت کفر بوده است. با توجه به عدم دسترسی به آثار محمد بن بحر نمی‌توان اظهار نظر دقیقی درباره نظر تفسیری او ذیل این آیه داشت).

عدم یکپارچگی در تفسیر آیات مرتبط با امت واحده با بررسی تفاسیر کهن و معاصر مشخص می‌شود که با وجود یکسانی در تفسیر امت واحده در آیه مورد نظر در سوره هود، بسیاری از مفسرین در تفسیر آیات شش‌گانه مرتبط با امت واحده یکسان عمل نکرده و منظور از امت واحده را در این آیات، متفاوت تفسیر کرده‌اند. برای نمونه به ذکر چند تفسیر می‌پردازیم:

الف) علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره معتقد است منظور از امت واحده آن است که انسان از لحاظ زندگی اجتماعی دارای بساطت بوده و بدون اختلاف زندگی می‌کرده است. ایشان می‌نویسد: انسان- این موجودی که به حسب فطرتش اجتماعی و تعاونی است- در اولین اجتماعی که تشکیل داد یک امت بود... و ظاهر آیه دلالت می‌کند بر اینکه روزگاری بر نوع بشر گذشته که در زندگی اتحاد و اتفاقی داشته، به خاطر سادگی و بساطت زندگی امتی واحد بوده‌اند و هیچ اختلافی بین آنان نبوده، مشاجره و مدافعه‌ای در امور زندگی و نیز اختلافی در مذهب و عقیده نداشته‌اند

آیات مختلف آشکار است.

مفهومی و تفسیری آیات را کاملاً مشخص می‌نماید. به‌عنوان نمونه صاحب تفسیر نور الثقلین از کتاب *علل الشرائع* به سند معتبر از عبد الله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که در سؤال از آیه سوره هود «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ»، امام علیه‌السلام به آیه سوره بقره «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ» استناد کرده است (حویزی، ۱۴۱۵: ۲/۴۰۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۱۶۴). این استناد به‌خوبی نشان می‌دهد که میان دو آیه ارتباط وجود دارد و نمی‌توان آن دو را فارغ از یکدیگر تفسیر و تبیین کرد.

ب) روش مفسرین در تفسیر آیات: دلیل دیگر ما بر یکپارچگی مفهومی این آیات آن است که مفسرین زیادی در تفسیر یکی از این آیات بر سایر آیات مشابه شش‌گانه استناد کرده و به‌اصطلاح از روش تفسیر قرآن به قرآن پیروی کرده‌اند (اگرچه همان‌گونه که بیان شد در معنای «امت واحده» نظرات گوناگونی داده‌اند). به‌عنوان نمونه طبری در جامع البیان در تفسیر آیه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» به آیه: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» استناد کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲/۱۹۴).

زمخشری نیز در *کشاف* در تفسیر آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...» بر آیه «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» استناد کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۲۵۵). آلوسی در *روح المعانی* برای تفسیر آیه «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» به آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...» اشاره کرده و استدلال آورده است و اگرچه در نهایت معتقد است معنای دو آیه با یکدیگر تفاوت دارد؛ اما به هر روی ارتباط اولی و بدوی آن دو را

ج) امام فخر رازی در تفسیر امت واحده در آیات مورد بحث اقوال سه‌گانه‌ای (اجتماع بر دین حق، اجتماع بر کفر و ضلالت، اجتماع بر فطرت بشری) را بیان کرده و خود نیز عموماً دین حق را برگزیده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶/۳۷۲؛ ۱۷/۲۲۸).

د) قرطبی در *الجامع لاحکام القرآن* اقوال مختلفی ذیل آیات بیان کرده است. او ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره چند قول را بیان کرده و ترجیح مشخصی نداده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳/۳۰). در ذیل آیه ۸ سوره شوری امت واحده را دین واحد دانسته که ممکن است بر هدایت یا بر ضلالت باشد (همان: ۱/۱۶). در آیه ۴۸ سوره مائده نیز امت واحده را امت مؤمن و مسلمان معنا کرده است (همان: ۶/۲۱۱).

شایان ذکر است برخی از مفسران امت واحده را در این آیات یکپارچه و به‌معنای امت موحد و مؤمن معنا کرده‌اند و برای تفسیر آیات شش‌گانه دست به تأویل‌های گوناگون زده‌اند که در ادامه بررسی خواهد شد (برای نمونه تفسیر *مقاتل بن سلیمان*، ذیل آیات؛ *منهج الصادقین*، ذیل آیات).

دلایل یکپارچگی آیات

پیش از آغاز به تفسیر آیه ۱۱۸ سوره مبارکه هود، این نکته ضروری است تا نشان دهیم آیات شش‌گانه دارای مفهومی مشترک هستند. بدون تردید این نکته، ما را در تفسیر آیات یاری خواهد داد.

الف) دلیل روایی: در برخی از روایات تفسیری هنگام سؤال راوی از آیه‌ای از آیات مورد بحث، امام معصوم علیه‌السلام به آیه‌ای دیگر ارجاع داده که ارتباط

پذیرفته است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶/۱۳).

ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر در تفسیر آیه ۱۹ سوره یونس، به آیه ۱۱۸ سوره هود اشاره کرده و مفهوم بخش پایانی هر دو آیه را «لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» یکی دانسته و در واقع بیان می‌کند که آیه سوره هود مفسر آیه سوره یونس است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۴۹/۱۱). ابی السعود نیز آیه ۱۱۸ سوره هود را با آیه ۲۱۳ سوره بقره تفسیر کرده است (ابی السعود، ۱۹۸۳: ۲۴۸/۴). این شیوه مفسران در تفسیر آیات نشان می‌دهد، همواره آیات شش‌گانه را دارای ارتباط مفهومی و مضمونی می‌دانسته‌اند و هر کدام به‌گونه‌ای در تفسیر یک آیه از آیه مشابه بهره برده است.

(ج) روابط معنایی آیات (رابطه هم‌نشینی)

معناشناسی از جمله علمی است که امروزه رواج قابل‌توجهی پیدا کرده و به ابزار مناسبی برای تحلیل متن مبدل شده است. از این رو در این میان زبان‌شناسان و از جمله معناشناسان، گروهی با روش‌های گوناگون به دنبال کشف ساختار معنایی و درک واژگان و متن قرآن هستند. در معناشناسی، روش‌هایی چون معناشناسی حوزه‌ای (حوزه‌های معنایی) برای مطالعه معنا به کار گرفته شده است. در این نوع معناشناسی، اعتقاد بر این است که معنای یک واژه را می‌توان براساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد، یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار با متن دلالت دارد (صفوی، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

رابطه هم‌نشینی در جمله میان واحدها، ایجاد

می‌شود که همگی مستقیماً در یک ساخت (جمله) حضور دارند. محور هم‌نشینی، بر قواعد ساختاری زبان استوار است و محور دستور و تجلی قواعد دستوری قلمداد می‌گردد و اختلال در روابط هم‌نشینی موجود میان واحدهای هر ساخت سبب می‌شود که ساخت جمله ناساز گردد (همان: ۱۸۹).

از آنجا که جمله‌های قرآن به‌عنوان یک زنجیره کلامی، متصل به هم فرض شده است، لذا کنار هم قرار گرفتن واژگان خاص، معنایی ویژه به‌همراه دارد که باید به آن توجه داشت. کلمات و واژگان در قرآن کریم تنها و جدای از یکدیگر به کار نرفته‌اند؛ بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگر به کار رفته‌اند و معنای محسوس و ملموس خود را دقیقاً از مجموع دستگاه ارتباطی که با هم دارند به دست می‌آورند. در نتیجه در تجزیه و تحلیل تصورات کلیدی فردی که در قرآن کریم است، هرگز نباید روابط متعددی را که هریک از آنها با دیگر واژگان در کل متن دارند را از نظر دور ساخت (ایزوتسو، ۱۳۸۲: ۶).

در میان آیات شش‌گانه نیز این روابط معنایی به شکل مناسبی نمود پیدا کرده و می‌توان از آن، ارتباط و یکپارچگی مفهومی آنها را برداشت کرد. از این رو در تفسیر آنها باید یک سبک و سیاق واحدی در نظر گرفته شود. در ادامه به‌اختصار بخشی از این روابط را بررسی می‌کنیم. ناگفته پیداست که با بررسی هم‌نشینی واژه امت واحده با برخی از مفاهیم به‌خوبی می‌توان ارتباط آیات و یکپارچگی مفهومی آن و همچنین مؤلفه‌های معنایی مرتبط با امت واحده را درک کرد. با این نوع بررسی، مؤلفه‌های مشترک زیر از متن آیات و سیاق آنها، قابل استنباط است:

الف) اختلاف: یکی از مؤلفه‌هایی که مرتبط با واژه امت واحد است و با آن هم‌نشینی معناداری دارد واژه اختلاف است. مفسرین معنا و مفهوم اختلاف را در این آیات به گونه‌های متفاوتی تفسیر کرده‌اند؛ اما آنچه در بحث ما مهم است ارتباط معنایی میان این دو واژه است. در سوره بقره عبارت «فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» در سوره مائده «فیه تختلفون»، در سوره یونس «فیه یختلفون»، در آیه مورد بحث یعنی آیه ۱۱۸ سوره هود با عبارت «لايزالون مختلفين»، در سوره نحل با عبارت «ما كنتم فيه يختلفون» (عبارت پایانی آیه قبل) و در سوره شوری نیز عبارت «وما اختلفتم فيه من شيء» (که در آیه ۱۰ آمده است)، همگی بیانگر ارتباط معنایی وثیق امت واحد با موضوع اختلاف است.

ب) مشیت الهی در هدایت: مؤلفه دیگر معنایی که مرتبط با امت واحد است، مشیت الهی در هدایت است. این مؤلفه نیز در آیات مورد بحث به‌خوبی خود را نشان می‌دهد. در آیه ۲۱۳ سوره بقره با عبارت «وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و در سوره هود با عبارت «الا من رحم ربك»، مشیت الهی نشان داده شده است (منظور از رحمت در این آیه همان هدایت الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۲/۱۱) که در ادامه به آن خواهیم پرداخت). در سوره یونس این مشیت الهی در قالبی دیگر و در آیه بعد «يَقُولُونَ لَوْلَا انزلت عليه آية من ربه فقل انما الغيب لله فانتظروا» به نمایش گذاشته شده است. در سوره نحل عبارت «ولكن يضل من يشاء و يهدى من يشاء» و در سوره شورا «و لكن يدخل من يشاء في رحمة» بیانگر این مؤلفه است. قطعاً این مؤلفه معنایی در شناخت و درک صحیح عبارت امت واحد کمک خواهد کرد. در بخش پایانی

به این مهم به تفصیل بیشتری اشاره می‌کنیم.

ج) ارسال رسل و انزال کتب: مفهوم دیگر مرتبط و هم‌نشین با امت واحد آن است که در همه این آیات به بعثت انبیا و انزال کتب اشاره شده است. در سوره بقره که از همه نمود بیشتری دارد آمده است «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ» در سوره مائده آیات قبل مربوط به ارسال رسل (وقفینا علی آثارهم عیسی) و انزال کتب (انا انزلنا التوراة و آتیناه الانجیل و انزلنا الیک الكتاب) است. در سوره یونس نیز همین سیاق تکرار شده است (جاء تهم رسلهم بالبینات، اذا تتلی علیهم آیاتنا، قل لو شاء الله ما تلوته). در آیه ۱۱۸ سوره هود بلافاصله از «انباء رسول» یاد شده است و در آیات قبل نیز به انزال کتاب «ولقد آتینا موسی الكتاب» اشاره شده است. در سیاق آیات سوره نحل «نزلنا علیک الكتاب» و سوره شوری «و کذالک اوحینا الیک قرانا عربیاً» در واقع هم ارسال رسل و هم انزال کتب آمده است. این مؤلفه‌های معنایی هم برای فهم امت واحد کارایی دارد و هم از سوی دیگر نشان‌دهنده ارتباط مفهومی و یکپارچگی آیات با یکدیگر است.

تفسیر آیه ۱۱۸ سوره هود

در این بخش به ادعای اصلی مقاله می‌پردازیم و آن ارائه تفسیری متفاوت از امت واحد در آیه ۱۱۸ سوره هود است. همان‌گونه که بیان شد تمایز این تفسیر هم در تفاوت مفهوم ارائه‌شده برای امت واحد است و هم اینکه به‌صورت یکپارچه آیات تفسیر شده است. در بخش قبل نشان داده شد که آیه ۱۱۸ سوره هود با آیات مشابه خود، کاملاً از لحاظ معنایی در ارتباط

است و در نتیجه باید هرگونه برداشت تفسیری بر تمام آیات شش‌گانه قابل تطبیق باشد. مدعای ما آن است که امت واحده در این آیه و سایر آیات همان امت مجتمع بر کفر و ضلالت است و ماحصل معنای آیه آن است که خداوند می‌فرماید اگر اراده می‌کردیم انسان‌ها را به کفر خودشان باقی می‌گذاشتیم و همواره در حقیقت ایمان و توحید در شک و تردید و اختلاف بودند (برخی از مفسرین به این معنا اشاره کرده‌اند که معنای اختلاف در این آیات همراه با شک و ریبه است، برای نمونه: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۳/۱۱)، مگر کسانی که خداوند به ایشان رحمت کرده و به وسیله پیامبران راه حق را به ایشان نشان دهد. در ادامه ادله این ادعا را برمی‌شماریم.

الف) از لحاظ ارتباط با سایر آیات: در دو آیه از آیات شش‌گانه با عبارت «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (بقره/ ۲۱۳) و «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً» (یونس/ ۱۹) خبر از این واقعیت می‌دهد که مردم امت واحده‌ای بودند که اختلاف در میان آنها به وجود آمده است. این حقیقت در چهار آیه دیگر از جمله همین آیه سوره هود، با حرف شرط «لو» بیان شده که در واقع در پی همان دو آیه می‌فرماید: خداوند امتناع کرده که مردم را همواره امت واحده قرار دهد. قطعاً حرف امتناع «لو» با امت واحده به معنای اینکه مجتمع برحق باشند سازگاری ندارد؛ اما با اجتماع بر کفر همخوان است؛ زیرا اگر مردم گروهی مؤمن و موحد بودند، خلاف لطف و رحمت الهی است که آنها را از این حالتی که بودند تغییر دهد.

مفسران برای حل این مشکل قید «به اجبار» را به این ایمان افزوده‌اند تا نشان دهند امتناع خداوند به

اینکه مردم به اجبار مؤمن و موحد شوند، تعلق می‌گیرد (برای نمونه زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۳۸/۲؛ و همچنین فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۱۰/۱۸؛ که آن را به معتزله نسبت می‌دهد). حال آنکه این قید با دو آیه‌ای که بیانگر آن است که مردم در برهه‌ای از زمان امت واحده بودند، سازگاری ندارد. البته برخی از مفسران تلاش کرده‌اند برای حل این مشکل، این دو آیه را منسلخ از زمان بدانند تا در تفسیر چهار آیه باقی‌مانده با چنین مشکلی مواجه نشوند؛ اما قطعاً سیاق آیات چنین برداشتی از آیات را دفع می‌کند. علامه طباطبایی در این باره و در رد این عقیده ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌نویسد: «فساد این گفتار روشن است که بعضی گفته‌اند: کلمه (کان) در آیه همانند جمله: «وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» منسلخ از زمان است و اصلاً معنای زمان نمی‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۶/۲).

در نتیجه معنای امتناع مذکور آن است که خداوند اراده نکرده تا مردم همواره بر کفر باقی بمانند و انبیا را مبعوث کرده است تا ایشان را در اختلاف پیش‌آمده هدایت کنند.

ب) از لحاظ مؤلفه‌های معنایی (اختلاف، بعثت انبیاء و مشیت الهی در هدایت): همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد، واژه «اختلاف» مؤلفه معنایی مرتبط با امت واحده است و از آیات قرآن برداشت می‌شود که در واقع این امت واحد اختلاف کردند «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» (یونس/ ۱۹) و به دلیل این اختلاف خداوند انبیا را مبعوث کرد «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره/ ۲۱۳) و اگر لطف خداوند نبود و «انبیا مبعوث»

نمی‌شدند، آنها همواره در این اختلاف می‌ماندند «لايزالون مختلفين» (هود/۱۱۸)؛ اما از آنجا که هدف از خلقت بشر عبادت و ایمان بود ﴿و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون﴾ (ذاریات/۵۶)، خداوند به انسان‌ها رحمت کرده و اختلاف را از میان برخی از آنان برداشت (الا من رحم ربك) تا همان هدف خلقت محقق شود (و لذلک خلقهم).

حال سخن در این است که منظور از این اختلاف چیست که موجب بعثت انبیاء و در پی آن مشیت الهی در هدایت مردم شده است. به نظر می‌رسد تعبیر و تفسیری که از «اختلاف» شده، راهزن اصلی مفسران از معنای دقیق امت واحده و در نتیجه معنای این آیات بوده و ایشان را به این سمت سوق داده که منظور از امت واحده را امت مجتمع بر ایمان معنا کنند؛ زیرا مفسران اختلاف به وجود آمده در امت واحده را به اختلاف در عقیده توحیدی معنا کرده‌اند. با دقت در آیه ۲۱۳ سوره بقره مشخص است که دلیل آمدن انبیا و بعثت ایشان، اختلافی است که در امت واحده به وجود آمد؛ اما مفسران به‌وضوح توضیح نداده‌اند که چرا باید در میان یک گروه مؤمن و موحد اختلاف عقیدتی به وجود آید. شاید به دلیل همین اشکال است که برخی از مفسران مانند علامه طباطبایی در این آیه تفسیر متفاوتی از امت واحده ارائه داده‌اند. ایشان در بیان اشکال فوق، ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌نویسد: «مفسرین غفلت کرده‌اند از اینکه اگر بشر همه دارای هدایت بوده‌اند و هدایت یکی بوده و اختلافی در آن نبوده، پس چه چیز موجب و مجوز بعثت انبیا و فرستادن کتاب شد؟» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۵/۲).

با دقت و تأمل در آیات شش‌گانه به‌ویژه آیه

۲۱۳ سوره بقره، مشخص می‌شود که منظور از اختلاف به وجود آمده در میان امت واحده (اهل کفر و ضلالت) اختلافی است که به‌موجب دلایل روشن فطری (که خداوند در نهاد بشر قرار داده است) میان عده‌ای از ایشان با دیگران به وجود آمد. با این معنا واضح است که امکان چنین اختلافی در میان یک امت گمراه از راه حق، طبیعی است و خداوند با بعثت انبیاء، کسانی را که به آنها ایمان آوردند به‌سوی حق و حقیقتی که فطرتشان دعوت می‌کرد، هدایت فرمود و اختلاف (شک و تردید) را از آنها برداشت ﴿فَهَدَى اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ﴾ (بقره/۲۱۳).

با این تفسیر معنای هر دو اختلاف در آیه ۲۱۳ سوره بقره به یک موضوع اشاره دارد و نیازی به تفاوت قائل شدن میان آنها نیست؛ برخلاف نظر علامه طباطبایی در المیزان که معتقد است این دو اختلاف به دو مورد متفاوت اشاره دارد؛ پس در نتیجه اختلاف‌ها دو قسم شد، یکی اختلاف در دین که منشأش ستمگری و طغیان بود، یکی دیگر اختلافی که منشأش فطرت و غریزه بشری بود و اختلاف دومی که همان اختلاف در امر دنیا باشد باعث تشریح دین شد و خدا به‌وسیله دین خود، عده‌ای را به‌سوی حق هدایت کرد و حق را که در آن اختلاف می‌کردند روشن ساخت و خدا هر کس را بخواهد به‌سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۲).

بدین ترتیب آیه ۲۱۳ سوره بقره این‌گونه معنا خواهد شد که مردم امت واحده بر کفر بودند در نتیجه خداوند انبیا را به همراه کتاب فرستاد تا در آنچه میان ایشان به‌واسطه دلایل روشن فطری اختلاف ایجاد کرده بود، داوری کند و خداوند کسانی را که به انبیا ایمان

آوردن به‌سوی حقیقتی که در آن اختلاف داشتن هدایت کرد و خداوند هر کس را که بخواهد به‌سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند.

در آیه ۱۱۸ سوره هود نیز همین معنا به تعبیر دیگری آمده است، آنجا که می‌فرماید: اگر خداوند اراده می‌کرد مردم امت واحدی بر کفر و همیشه در اختلاف و تردید بودند (اختلاف به وجود آمده از بینات روشن فطری)؛ اما خداوند اراده کرده با فرستادن انبیا این اختلاف و تردید را برای گروهی از مردم به دلیل رحمت خود از میان بردارد و به همین سبب آنها را خلق کرد. (وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ).

همین معنا در سوره مائده نیز با تعبیر دیگر آمده است. خداوند در سوره مائده می‌فرماید: اگر خداوند اراده می‌کرد، مردم بر کفر و گمراهی باقی می‌ماند؛ اما برای اینکه شما انسان‌ها را امتحان کند [انبیا را فرستاد تا شما را هدایت کنند] در نتیجه به‌سوی خوبی‌هایی [که به آن دعوت شده‌اید]، سبقت بگیرید (وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ). پرواضح است اگر مراد از امت واحده، امت مؤمن و موحد باشد که میان ایشان اختلاف در ایمان و توحید ایجاد شده بود، امتحان الهی و دعوت به سبقت گرفتن در خوبی‌ها، همچنان بر گروه به ایمان باقیمانده معنادار بود و نیاز به تعلیل مجدد (با آمدن لام تعلیل) نبود؛ به عبارت دیگر دلیل آنکه خداوند مردم را امت واحده قرار نداده آن است که ایشان امتحان شوند و در خوبی‌ها از یکدیگر سبقت بگیرند و این تفسیر با این معنا سازگار است که خداوند اراده کند تا با فرستادن انبیا مردم را امتحان کند و آنها را بر گمراهی

خود باقی نگذارد.

ج) از لحاظ نحوی و ساختار کلام: مباحث نحوی و ساختاری آیه نیز تأیید می‌کند که منظور از امت واحده امت مجتمع بر کفر است. یکی از این موارد اسم فعل ناقصه «لا يزالون» است. «واو» ظاهر در «لا يزالون» اسم لایزال است که به «الناس» برمی‌گردد. در نتیجه معنای آیه این است که اگر خداوند اراده می‌کرد مردم، امت واحده و همواره در اختلاف بودند. پرواضح است که این اختلاف نباید به گروهی از مردم که مجتمع بر ایمان و توحید هستند منتسب شود؛ زیرا دلیلی ندارد چنین گروهی با یکدیگر اختلاف کنند. به دلیل این اشکال برخی از مفسرین «لا يزالون مختلفین» را به اختلاف در دین‌ها تفسیر کرده و گفته‌اند که مثلاً یکی یهودی و یکی دیگر مسیحی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۱۱/۵؛ ابن عربی، ۱۴۰۸: ۱۰۷۱/۳). این در حالی است که براساس سایر آیات مشابه، این اختلاف کاملاً با امت واحده مرتبط بوده و در میان آنها ایجاد شده و این‌گونه نیست که بعداً ایجاد شده باشد (وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا)، در نتیجه «لا يزالون مختلفین» هم با جمله قبل در ارتباط است و بخشی از جواب شرط است که با حرف «لو» شرطیه آغاز شده است. از همین روست که فراء در معانی القرآن اسم «لا يزالون» را همان گروهی که بر باطل و کفر اجتماع کرده‌اند، می‌داند تا اشکال پیش‌گفته به وجود نیاید (فراء، ۱۹۸۰: ۳۱/۲).

از سویی دیگر برخی از مفسران، «الا» در آیه «الا من رحم ربك» را «الا» ی منقطع دانسته‌اند تا کسانی که خداوند به ایشان رحمت کرده را از ابتدا از «لا يزالون مختلفین» خارج کنند (طوسی، بی‌تا: ۸۴/۶)،

نکرده است و انبیاء را فرستاده تا هر کس را که بخواهد در رحمت و هدایت خود وارد کند و هدایتش را به او برساند ﴿وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (بقره/۲۱۳) و این همان معنایی است که آیه ۱۳ سوره سجده ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا﴾ به آن اشاره دارد.

به عبارت دیگر و از منظر کلامی در نظر نگارنده خداوند در این آیات، لطف و رحمت خود را به مردم گوشزد می‌کند؛ در حالی که در تفسیر مشهور و رایج خداوند قدرت قاهره خود را به نمایش می‌گذارد. به عنوان نمونه صاحب مجمع البیان قبل از شروع تفسیر این آیه می‌نویسد: ثم أخبر سبحانه عن کمال قدرته فقال ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۱۱/۵؛ همین معنا از قول جبائی در تفاسیر آمده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱۴۱/۱)).

ه) از لحاظ تاریخی: در تاریخ نیز برهه‌های شناخته شده نیست که همه مردم بر دین حق اجتماع کرده باشند. برخی از مفسرین تلاش کرده‌اند که زمان حضرت آدم را چنین برهه‌ای معرفی کنند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۴۲/۱)؛ اما علاوه بر آنکه اطلاق امت بر این تعداد کم، بعید است (با توجه به عدم گسترش عقیده و شریعت و یا داشتن ویژگی خاصی مانند حضرت ابراهیم که در آیه ۱۲۰ سوره نحل امت خوانده شده است)، روایات نیز برخلاف آن را شهادت می‌دهد. روایات متعددی بیان می‌کنند که در مدت کوتاهی بعد از حضرت آدم (و شاید بعد از قتل هابیل توسط قابیل) مردم از عقاید صحیح توحیدی دور شدند و این تفکر تا زمان حضرت نوح ادامه داشت تا اینکه حضرت نوح به عنوان اولین پیامبر مبعوث شد و این برهه زمانی،

در حالی که این تفسیر با سایر آیات و سیاق این آیه هماهنگ نیست و قطعاً کسانی که خداوند به آنها رحمت کرده، استثنا شده از کسانی است که قبلاً اختلاف کرده‌اند و نیاز نیست الا منقطع در نظر گرفته شود.

علاوه بر آنچه بیان شد، تفسیر امت واحده به امت مؤمن و موحد، مستلزم آن است که بعد از «واو» در «و لایزالون مختلفین» واژه «لکن» در تقدیر باشد (تقریباً اکثر مترجمان قرآن این واژه را در ترجمه آیه وارد کرده‌اند. به عنوان نمونه انصاریان آیه را بدین شکل ترجمه کرده است: اگر پروردگارت می‌خواست یقیناً تمام مردم را [از روی اجبار، در مسیر هدایت] امت واحدی قرار می‌داد، [ولی] نخواست به همین سبب] همواره [در امر دین] در اختلاف‌اند، اما در تفسیر متفاوتی که ما ارائه کردیم نیازی به تقدیر گرفتن نیست و مفسرین بیان کرده‌اند: «عدم التقدير اولی من التقدير» (دره، ۱۴۳۰: ۴۳۳/۱).

د) از منظر کلامی: نکته دیگری که باید به آن توجه کرد آن است که اراده خداوند به اینکه مردم را بر دین حق و ایمان اجتماع کند، با ماهیت اختیاری ایمان هماهنگ نیست؛ به عبارت دیگر این معنا که اگر خداوند می‌خواست همه مردم را به اجبار و الزام مؤمن می‌کرد، از منظر کلامی صحیح نیست و چنین ایمانی ارزش ندارد و اصولاً نمی‌توان نام آن را ایمان گذاشت. در حالی که معنایی که نگارنده از امت واحده ارائه داد یک واقعیت تاریخی است و با اختیار انسان تضاد و تناقضی ندارد؛ زیرا خداوند می‌فرماید اگر اراده می‌کردیم مردم را برای همان کفری که بودند باقی می‌گذاشتیم تا همواره در اختلاف باشند؛ اما خداوند چنین اراده‌ای

(سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۴۲/۱).

۲. و أخرج ابن جریر و ابن ابی حاتم عن ابی بن کعب قال كانوا أمة واحدة حيث عرضوا على آدم ففطرهم الله على الإسلام و أقروا له بالعبودية فكانوا أمة واحدة مسلمين ثم اختلفوا من بعد آدم (همان جا).

۳. حدثني يونس، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: قال ابن زيد في قوله: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» قال: حين أخرجهم من ظهر آدم لم يكونوا أمة واحدة قط غير ذلك اليوم، فبعث الله النبيين (طبري، ۱۴۱۲: ۱۹۵/۲).

(و از لحاظ روایات: همان گونه که قبلاً بیان شد روایات متعددی امت واحده را امت مؤمن و موحد می‌داند؛ با این وجود در لابه‌لای این روایات مشهور، روایات غیر مشهوری نیز وجود دارد که با دقت و تأمل در آنها می‌توان به برداشت متفاوتی در تفسیر آیات رسید. آخرین دلیل بر تفسیر متفاوتی که ارائه دادیم آن است که مطابق روایت قابل‌اعتمادی که عیاشی در تفسیر خود بیان کرده است، عبدالله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ۱۱۸ سوره هود پرسید و امام علیه‌السلام به آیه ۲۱۳ سوره بقره استناد کردند:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً» إِلَى «مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ» قَالَ: كَانُوا أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ - لِيَتَّخِذَ عَلَيْهِمُ الْحُجَّةَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۶۴/۲). در واقع امام علیه‌السلام با این بیان اشاره کردند که هر دو آیه درباره یک امت سخن می‌گویند. با در کنار هم گذاشتن این روایت با روایت دیگری که عیاشی ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره آورده و امت واحده را در آن، امتی گمراه و بر ضلالت می‌داند: «عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمَرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِهِ «كَانَ

همان برهه امت واحد است و بعثت نوح و در پی آن سایر انبیا همان رحمت الهی و مشیت او بر هدایت بندگان است که در سیاق تمام آیات مورد بحث به شکل‌های متفاوت آمده است. در ادامه به برخی از این روایات از تفسیر روایی عیاشی اشاره می‌کنیم:

۱. عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» قَالَ: كَانَ هَذَا قَبْلَ نُوحٍ أُمَّةً وَاحِدَةً (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۱/۱).

۲. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» - فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ» فَقَالَ: كَانَ هَذَا قَبْلَ نُوحٍ (همان: ۱۰۴/۱).

۳. عَنْ مَسْعَدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» - فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ» فَقَالَ: كَانَ ذَلِكَ قَبْلَ نُوحٍ، قِيلَ: فَعَلَى هُدًى كَانُوا قَالَ: بَلْ كَانُوا ضَلَّالًا، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمَّا انْقَرَضَ آدَمُ وَ صَلَحَ ذُرِّيَّتُهُ بَقِيَ شَيْثٌ وَصِيَّهُ - لَا يَقْدِرُ عَلَى إِظْهَارِ دِينِ اللَّهِ الَّذِي - كَانَ عَلَيْهِ آدَمُ وَ صَلَحَ ذُرِّيَّتُهُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ قَابِيلَ تَوَاعَدَهُ بِالْقَتْلِ كَمَا قَتَلَ أَخَاهُ هَابِيلَ، فَسَارَ فِيهِمْ بِالتَّقِيَّةِ وَ الْكَيْفَانِ، فَازْدَادُوا كُلَّ يَوْمٍ ضَلَّالًا (همان جا).

نکته جالب توجه آن است که برخلاف این روایات شیعی که از امامان معصومین علیه‌السلام رسیده، شاهد روایاتی در کتب روایی اهل سنت هستیم که برخلاف آن است و احتمالاً همین روایات منشأ تفسیر مشهور به‌ویژه در میان مفسران متأخر قرار گرفته است. در این روایات امت واحده را زمان حضرت آدم علیه‌السلام می‌داند. نمونه‌ای از این روایات را از تفسیر روایی جامع البیان و الدر المنثور نقل می‌کنیم:

۱. و أخرج وكيع و عبد بن حميد و ابن جرير و ابن ابی حاتم عن مجاهد كان الناس أمة واحدة قال آدم

النَّاسُ أُمَّةٌ وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ قَالَ: كَانُوا ضَلَالًا فَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِمْ أَنْبِيَاءَ» (عباشی، ۱۴۰۴: ۱/۱۰۴) و روایتی که سیوطی ذیل همین آیه نقل کرده: «و أخرج ابن جرير و ابن أبي حاتم من طريق العوفي عن ابن عباس كان النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً قَالَ كَفَّارًا» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/۲۴۳)، مشخص می‌شود که منظور از امت واحده در آیه ۱۱۸ سوره هود نیز امت مجتمع بر کفر و ضلالت است. بدین ترتیب این برداشت تفسیری از «امت واحده» علاوه بر سیاق آیات و مباحث کلامی و تاریخی، با روایات تفسیری نیز تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم امت واحده از مفاهیم کاربردی در درک برخی از آیات قرآن است. از گذشته تاکنون مفسران در تفسیر آیات متضمن امت واحده نظرات مختلفی داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که نه تنها یکپارچگی خاصی در نظرات تفسیری آنها دیده نمی‌شود، حتی در میان اقوال یک مفسر نیز این آیات به گونه‌های مختلفی تفسیر و تعبیر شده است. با تدبر و تأمل در این آیات به دست آمد که همگی دارای سیاقی مشابه بوده و از یک حقیقت واحد در معنای امت واحده سخن می‌گویند. در این نوشتار با تکیه بر روابط متنی و معنایی (هم‌نشینی واژگان) در سیاق آیات، همچنین مباحث کلامی، تاریخی و روایی نشان دادیم که این آیات دارای مفهوم و مضمون مشترک است و از یک امت واحده سخن می‌گوید. نتیجه به‌دست آمده آن است که منظور از امت واحده در این آیات، برعکس نظر اغلب مفسران، امتی است که بر ضلالت و گمراهی باشد نه بر حق و ایمان. بر این اساس و بر مبنای این نتیجه، تفسیری متفاوت از آیه

۱۱۸ سوره هود ارائه شد که می‌تواند از لحاظ اعتقادی و کلامی، جامعه‌شناسی دین و تاریخ حائز اهمیت است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه قرآن (۱۳۸۳ش). مترجم حسین انصاریان. قم: نشر اسوه.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم). ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹ش). متشابه القرآن و مختلفه. قم: بیدار.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق). احکام القرآن (ابن عربی). بیروت: دار الجیل.
- ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳م). تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸ش). مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید. ترجمه بدره‌ای. تهران: نشر قلم.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن (جصاص). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ق). الاساس فی التفسیر. قاهره: دار السلام.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور

- التقلین. قم: اسماعیلیان.
- خرم دل، مصطفی (۱۳۸۴ش). تفسیر نور (خرم دل). تهران: احسان.
- دره، محمدعلی طه (۱۴۳۰ق). تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه. بیروت: دار ابن کثیر.
- دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار الشامیة.
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دار المعرفة.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربیة.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق). فتح القدر. دمشق: دار ابن کثیر.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۲ش). درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). اربد: دار الکتب الثافیة.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مکتبه الرضویة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربیة.
- علم الهدی، علی بن الحسین (۱۴۳۱ق). تفسیر الشریف المرتضی المسمی بنفائس التأویل. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ش). التفسیر (تفسیر العیاشی). تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربیة.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). معانی القرآن (فراء). قاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب.
- قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸ق). تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دار الملائکة.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۷۸ش). منهج الصادقین فی إلزام المخالفین. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- مراغی، احمد مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی.

- بیروت: دار الفکر.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*.
- تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق). *تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التأویل*. بیروت: دار النفائس.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق). *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (واحدی)*. بیروت: دار القلم.